



بیان مفاهیم زیبایی‌شناسی رنگ در ادبیات اسلامی و آثار هنرمندان قرون دوم و چهارم هجری براساس آزمون رنگ ماکس لوشر (نمونه موردی: بشار بن برد و ابوالعلاء معری)

علی پیرانی شال^۱ ID، فاطمه پرچکانی^۲ ID، هومن ناظمیان^۳ ID، عبدالله حسینی^۴ ID، علی یعقوبی^۵ ID*

^۱ دانشیار گروه زبان و ادب عربی دانشگاه خوارزمی، تهران-کرج، ایران. pirani@khu.ac.ir

^۲ گروه زبان و ادب عربی دانشگاه خوارزمی تهران-کرج، ایران. parchekani@khu.ac.ir

^۳ گروه زبان و ادب عربی دانشگاه خوارزمی تهران-کرج، ایران. nazemian@khu.ac.ir

^۴ استادیار، گروه زبان و ادب عربی دانشگاه خوارزمی، تهران-کرج، ایران. dr.abd.hosseini@khu.ac.ir

^۵ (نویسنده مسئول) دانشجوی دکترا، گروه زبان و ادب عربی دانشگاه خوارزمی، تهران-کرج، ایران. aliyaaghoobei@gmail.com

چکیده

بشار و ابوالعلاء معری با وجود اینکه از فقدان حس بینایی و تجربه دیدن نور و رنگ در عرصه حیات رنج می‌برند اما به دلیل قابلیت‌ها و استعدادها و خلاقیت‌های فراوان، توانسته‌اند در ترسیم تصاویر رنگی و معانی نمادین آن‌ها به سطح مشارکت همتایان شعری بینای خویش برسند و حتی تا مرحله نوآوری پیش بروند. امروزه روان‌شناسی کاربردی رنگ‌ها یکی از بهترین روش‌های در کنار زدن نقاب‌ها از سیمای شخصیتی انسان است، زیرا از نظر این علم هر رنگ معنایی ساختاری دارد. آزمایش رنگ ماکس لوشر یکی از جدیدترین نظریه‌ها در این زمینه است که به وسیله هشت رنگ کارکردی و گروه‌بندی آن‌ها به شکل زوج‌های دوگانه و تفسیر و تحلیل این گروه‌ها، وضعیت روحی و روان افراد را بازگو می‌کند. پژوهش حاضر قصد دارد بر پایه آزمون رنگ لوشر به واکاوی بخش پنهان روان دو شاعر و ارتباطات و رفتار اجتماعی‌شان بپردازد و از این رهگذر، شخصیت آنان را در اختیار خواننده قرار دهد. مهم‌ترین یافته این پژوهش نشان می‌دهد که بشار و ابوالعلاء در روابط و سبک زندگی راهبرد بینابین و محتاطانه اتخاذ کرده‌اند؛ بدین معنا که دنیای آن‌ها به دو بخش تقسیم می‌شود: از یک سو نیم‌نگاهی به حوزه جبرانی (تسلط بر هیجانات، بازسازی و مدیریت خود) دارند، چراکه با وجود تلاش در برقراری امنیت و ثبات جسمی و روانی به‌عنوان مؤلفه و پیش‌نیاز ارتباط بین‌فردی و جمعی باز هم به‌طور متناوب در معرض تهدیدات و عوامل چالش‌زای ارتباطی قرار می‌گرفتند و همین مسئله باعث تخریب روابط و البته طرد و تنهایی آن‌ها می‌گشت؛ از طرف دیگر، به دنبال فعال کردن تمام قابلیت‌های بالقوه باقی‌مانده از روابط و وضعیت موجود خود هستند و به نوعی نمی‌خواهند مانند کسی باشند که منفعلانه ضربه‌های سرنوشت را تحمل می‌کند و این آرامش و ثبات نسبی منجر به بی‌تفاوتی و درماندگی و بی‌اعتنایی آنان شود.

اهداف پژوهش:

۱. بیان مفاهیم زیبایی‌شناسی رنگ در ادبیات فارسی و آثار هنرمندان قرون دوم و چهارم هجری.
۲. زیبایی‌شناسی رنگ در آثار بشار بن برد و ابوالعلاء معری.

سؤالات پژوهش:

۱. مفاهیم زیبایی‌شناسی رنگ در ادبیات فارسی و آثار هنرمندان قرون دوم و چهارم هجری چه جایگاهی دارد؟
۲. زیبایی‌شناسی رنگ در آثار بشار بن برد و ابوالعلاء معری چگونه است؟

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۵۲

دوره ۲۰

صفحه ۱۱۴ الی ۱۱۳

تاریخ ارسال مقاله: ۱۴۰۱/۰۴/۰۱

تاریخ داوری: ۱۴۰۱/۰۷/۰۶

تاریخ صدور پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۲۷

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۲/۰۱

کلمات کلیدی

روان‌شناسی رنگ،
نظریه ماکس لوشر،
شخصیت،
بشار بن برد،
ابوالعلاء معری.

ارجاع به این مقاله

پیرانی شال، علی، پرچکانی، فاطمه، ناظمیان، هومن، حسینی، عبدالله، & یعقوبی، علی. (۱۴۰۲). بیان مفاهیم زیبایی‌شناسی رنگ در ادبیات اسلامی و آثار هنرمندان قرون دوم و چهارم هجری بر اساس آزمون رنگ ماکس لوشر (نمونه مورد بررسی بشار بن برد و ابوالعلاء معری). مطالعات هنر اسلامی، ۵۲(۲)، ۱۱۴-۱۳۳.



dorl.net/dor/20.1001.1.*

***** ** ** ** **



dx.doi.org/10.22034/IAS

.۲۰۳۲.۳۶۹۷۶.۲۰۸۸

مقدمه

تا زمانی که ما با درون و شخصیت صاحب اثر به‌خوبی آشنا نشویم، نمی‌توانیم نسبت به یک اثر ادبی نقدی زیبایی‌شناختی، اخلاقی یا هر نقد دیگری داشته باشیم (اسماعیل، ۱۹۸۶: ۲۰). برای تحلیل یک اثر ادبی و نیز شناخت شخصیت آفریننده‌اش باید از تمام عوامل و مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده درون و بیرون متنی آن استفاده جست. یکی از مهم‌ترین این عناصر، رنگ‌ها می‌باشند. دقت‌نظر در میزان بسامد واژگان رنگین در آثار هر شاعر می‌تواند ما را به بسیاری از ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری و شخصیتی شاعر و همچنین لایه‌های زیرین جهان‌بینی وی رهنمون سازد (قاسم‌زاده و نیکوبخت، ۱۳۸۲: ۱۴۵). امروزه روان‌شناسی کاربردی رنگ‌ها بر این باور است که خصایص روحی و به‌طور کلی شخصیت واقعی او از میزان علاقمندی او به رنگ خاص یا تنفرش آشکار می‌شود (آزاد کردمحل، بی‌تا: ۵۷). پس از آزمایش روشاخ در زمینه شناخت شخصیت انسان از طریق لکه‌های رنگین جوهر، آزمایش ماکس لوشر جدیدترین نظریه‌ای است که در این باره ارائه شده است (لوشر، ۱۳۹۸: ۸).

بشاربن‌برد و ابوالعلاء از جمله شاعران نابینای عصر عباسی و البته با دو محیط متفاوت هستند که «در فرآیند زیستی و تحول شخصیتی خود از تجربه نور بی‌بهره بوده‌اند و همین فقدان از کنش مهم و حیاتی شناختی - روانی یعنی دیدن رنگ و شکل در گستره حیات ناگزیر ویژگی‌های خاص شناختی و روانی - اجتماعی قابل‌توجهی» (افروز، ۱۳۸۸: ۱۲). مثل احساس حقارت، طرد و تنهایی، خودانگاره منفی، ناامیدی، پرخاشگری، بدبینی و ... برای آنان در پی داشته است. از سوی دیگر، جنبه مثبت سکوت بینایی بر شخصیت بشار و ابوالعلاء این‌گونه بوده است که آنان را «انسانی جسور و کنجکاو، با روحیه و اراده قوی، سرشار از نبوغ و هوش و خلاقیت ساخته است» (حمیدزاده، ۱۳۸۹: ۱۸). تا جایی که توانسته‌اند از رهگذر همین ویژگی‌ها و با تکیه بر اطلاعات ادراکی و شناختی، بر موانع و پیامدهای منفی یاد شده فائق آیند و با تقویت ملکه خیال خود در تصور پدیده‌های دیداری - رنگی و رسم تصاویر هنری و لفظی به سطح مشارکت با بینایان برسند و بلکه فراتر از آن‌ها تا حد ابداع پیش بروند و گاهی معانی نمادین رنگ‌ها بیشتر از خود آن‌ها توجه نابینایان را به خود جلب کرده است. با توجه به همین استعداد و ظرفیت رنگی شاعران نابینا و نیز برخورداری از نوعی شخصیت روانی خاص به تبع مسئله نابینایی و شرایط زندگی زمانه، نگارندگان را برآن داشت تا با بررسی و تحلیل و توصیف رنگ‌های به‌کار رفته در دیوان دو شاعر نابینا براساس آزمون رنگ لوشر پرداخته و به دنبال پاسخ پرسش‌های خود برآیند:

۱. آشنایی با ماهیت نمادین رنگ‌ها و نقش مؤثر آن در تحلیل شخصیت انسان چقدر می‌تواند بستری مطلوب برای تبیین ویژگی‌های روانی - شناختی و خصیصه‌های بارز شخصیتی شاعران نابینا - بشار و ابوالعلاء - باشد؟
۲. نظریه روان‌شناسی رنگ ماکس لوشر چگونه و تا چه اندازه می‌تواند شخصیت بشاربن‌برد و ابوالعلاء معری را از طریق کاربرد رنگ‌های شعریشان تحلیل کند؟

در زمینه کارکرد رنگ در اشعار دو شاعر، پژوهش‌هایی به صورت جداگانه صورت گرفته است، از جمله آن‌ها: کتاب «رؤیة فنیة - قراءات فی الادب العباسی -» نگارش دکتر صالح الشتیوی. این اثر تألیف یافته از مجموعه مقالات نویسنده است. مؤلف در بخش نتیجه پژوهش بیان می‌دارد: رنگ‌های شعر بشار فقط جنبه زینتی ندارند بلکه دارای تأثیر و اقناع مخاطب می‌باشد و از سوی دیگر، کاربرد آن‌ها مایه شگفتی و جلب توجه و خیال‌انگیزی شده است. مؤلف محترم از یک سو رنگ‌های شاعر را بر سه سطح - انسانی، حیوانی، اشیاء - تقسیم‌بندی و از طرف دیگر با انتخاب شواهد شعری مناسب و اختصار حجم مطالب و استناد به منابع مهم و کاربردی، فقط به بررسی و توصیف معانی نمادین و ابعاد دلالتی رنگ‌های شعری بشار می‌پردازد، و جانب تحلیلی آن‌ها را مدنظر قرار نمی‌دهد و به همین سبب نمی‌توان به طور دقیق ویژگی‌های شخصیتی بشار را شناخت. حیاة بوعافیة در رساله خود تحت عنوان: «الصورة الفنية فی شعر ابی العلا المعری و اثرها فی المعنی» و در بخش انواع تصاویر هنری براساس حس‌آمیزی، بیشتر به مسئله دلالت رنگ‌ها از منظر زیبایی‌شناسی هنری - بلاغی توجه داشته تا رویکرد روانشناسانه و در ضمن، بررسی آماری رنگ‌ها را نیز بدان ملحق کرده است. گفتنی است تا آنجا که نویسندگان این مقاله تحقیق نموده‌اند، پژوهش مستقلی که به صورت مقایسه‌ای به بررسی و تحلیل رنگ‌ها در اشعار بشار و ابوالعلاء براساس مبانی نظری پژوهش حاضر نگارش یافته باشد، پیدا نشد. بنابراین در این نوشته ابتدا کوشش شده است که بسامد و فراوانی رنگ‌ها در اشعار بشار و ابوالعلاء با دقت بیشتری استخراج و در وهله بعدی با بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های معانی نمادین آن‌ها و نیز انطباق با نظریه روانشناسی رنگ ماکس لوشر، تحلیلی جامعی از خصیصه‌های شخصیتی دو شاعر ارائه دهد. همچنین زیبایی‌شناسی رنگ در آثار هنرمندان قرن دوم و چهارم هجری بررسی شود.

۱. نظریه روان‌شناسی کارکردی رنگ ماکس لوشر (چهارچوب مفهومی)

عنوان روان‌شناسی کارکردی به نظریه‌هایی اطلاق می‌شود که انتخاب رنگ را با روان‌شناسی شخصیت ارتباط می‌دهند. در آزمون رنگ لوشر، «ساختار» هر رنگ ثابت است؛ این ساختار به عنوان «معنای عینی» آن رنگ تعریف می‌شود و برای همه افراد یکسان است. از سوی دیگر، منظور از «کارکرد»، «گرایش ذهنی نسبت به رنگ‌ها» است. کارکرد رنگ‌ها از فردی به فرد دیگر تفاوت دارد و تفسیر آزمون هم براساس همین «کارکرد» انجام می‌شود (لوشر، ۱۳۹۸: ۲۰). در این نظریه، ابتدا شخص براساس هشت کارت رنگی موجود در آزمایش که هر کدام عددی جداگانه دارند (از ۰ تا ۷) رنگ مورد علاقه خود را به ترتیب انتخاب می‌کند. این هشت رنگ عبارت‌اند از: چهار رنگ اصلی آبی (۱)، سبز (۲)، سرخ (۳)، زرد (۴)، و چهار رنگ فرعی: خاکستری (۰)، بنفش (۵)، قهوه‌ای (۶)، سیاه (۷).

پس از این که رنگ‌ها به ترتیب علاقه، توسط شخص مورد آزمایش انتخاب شد، رنگ‌ها به چهار دسته دوتایی تقسیم و گروه‌بندی شده و سپس مورد تحلیل و تفسیر قرار می‌گیرند. اصل مهم در این نظریه این است که معنای زوجی رنگ‌ها برای شناخت هر فرد موردنظر است. با مشاهده طرز قرار گرفتن کارت‌های رنگی در کنار هم می‌توان تعیین کرد که یک رنگ خاص نشانه چه نوع کارکردی است (خادمی کولایی، یآوری، ۱۳۹۴: ۴).

۲. کاربرد رنگ‌های اصلی و فرعی آزمون لوشر در شعر بشار و ابوالعلا معری

۲.۱. کاربرد رنگ‌های اصلی

رنگ آبی: رنگ آبی در فکر و روح انسان داخل می‌شود و با روان آدمی پیوند می‌خورد. از منظر هنر - «جنبه‌های گوناگون روحی را نشان می‌دهد. آبی معنی ایمان می‌دهد و اشاره‌ای است به فضای لایتناهی روح» (ایتن، ۱۳۷۴: ۲۱۶). و رنگی است «صاف و روشن، با طراوت و آرام و شیرین و ساکت و تسلیم‌شونده و امیدوارکننده (اکبرزاده، ۱۳۷۵: ۶۲). برخلاف ظاهر رنگ آبی که معمولاً بسیار مثبت ارزیابی می‌شود و در حقیقت آرامش و امنیت و ثبات و خلوص معنوی و ارتباط صمیمی را تداعی می‌کند؛ ولی چنین معنایی در لابه‌لای متون شعری شاعران کلاسیک ادب عربی - بشار و ابوالعلا - نمی‌توان پیدا کرد؛ چراکه این رنگ در نزد عرب قدیم به خاطر دشمن آن‌ها - رومی‌ها - که چشمان آبی رنگ داشتند، مکروه و بدیمن و رمز شر و بدی (الفیفی، ۱۹۹۷: ۱۷). و برانگیزاننده نفرت و کینه و کراهت است (حمدان، ۲۰۰۸: ۶۸). لذا در اشعار بشار و ابوالعلا می‌بینیم که رنگ آبی برخلاف طیف رنگ‌های دیگر و با تعبیراتی چون (زُرق‌العیون، أعین زُرق، الأزرق الغیور، زُرق الأعادی) کاربردی کم دارد.

آبی با (۱۸) و (۹) بار تکرار در جایگاه پنجم و هفتم رنگ‌های بشار و ابوالعلا قرار دارد. به عقیده لوشر اگر آبی در وضعیت پنجم تا هشتم انتخاب شود، نیاز شخص به آرامش، متانت، اعتماد، اطمینان متقابل در روابط دیگران ارضاننده باقی‌مانده و به اضطراب منجر می‌شود. (لوشر، ۱۳۹۸: ۵۴).

رنگ سبز: سبز تجلی امنیت، حمایت و فراهم‌آورنده‌ی زمینه‌ای مساعد برای تصمیم‌گیری‌هاست و نقش چراغ سبزی را برای تجدید حیات ایفا می‌کند و در عالی‌ترین شکل خود بازتابی از تکامل روح است (هانت، ۱۳۷۷: ۸۲). این رنگ رمز جاودانگی، درستی، امید، سرسبزی، خیر، برکت، بالندگی، سلامت، امنیت، حرکت، سرور و خوش‌بینی به‌شمار می‌آید (الشاهر، ۲۰۰۲: ۴).

با گشودن دفتر شعری بشار و رسیدن به فصل رزم و حماسه و در قسمت روز نبرد، تصاویر رویارویی لشکریانی را مشاهده می‌کنیم که به دریای سبز متلاطم از امواج خروشان همانند گردیده‌اند؛ توصیفی که بشار برای درخشش سلاح‌های صیقلی خورده و انبوهی تعداد و غرش و هیاهو و حرکات و سکنتان نوسان‌دار سپاهیان به‌کار برده است:

صَدَعَ الْعَسْكَرَ الْمُنِيفَ بَدَا خَضَ رَئِیْ بِضَرْبِ أَتَى عَلَى الْمَغْرُورِ

(ابن برد، ۲۰۰۷: ۲۱۸/۳)

ممدوح لشکری با عظمت و سر تا پا مسلح را که به کوهی می‌ماند، به دو نیم تقسیم کرد؛ طوری که در ترس و گریز و پراکندگی همچون جریان امواج سبز دریا شده بودند. او این کار را با همان ضربتی که بر سر پهلوان مغرور فرود می‌آورد، انجام داد.

إِذَا سِنَّةٌ بَكِي تَشْرِينُ فِيهَا وَسَاعَدَهُ بِدَمْعَتِهِ أَذَارُ
 قَرُودِي حَيْثُ شِئْتُ بِغَيْرِ أَزَلٍ وَلَيْسَ عَلَيْكَ مِنْ جَدْبٍ حِذَارُ
 فَذَاكَ أَوَانُ تَخَضَّرُ الرُّوَابِي لِنَظَرِهَا وَتَبْيَضُّ الْوُذَارُ
 أَيْلَقِي الْعُذْرُ أَمْ آبَتْ الْخَطَايَا قَدِيمًا أَنْ يَكُونَ لَكَ
 إِعْتِذَارُ
 (معری، ۲۰۰۸: ۸۵/۲)

بشار از رنگ سبز و مترادف‌هایش در معنای غیرحقیقی دیگر نیز استفاده کرده است: بشاشیت و طراوت چهره (ابن برد، ۲۰۰۷: ۱۲۹/۱)، جوانه‌زدن شاخهٔ محبت (همان: ۱۷۲/۲)، بهره‌مندی دیگران از عطا و دهش خود (همان: ۱۲۹/۳). رنگ سبز در زبان شعری بشار با وجود این‌که در مواردی با سیاه تداخل پیدا می‌کند باز هم رنگی مثبت و غالباً در رایج‌ترین معنا یعنی وسعت و گشایش نمود پیدا می‌کند. به‌عنوان نمونه: (نُضْرَةُ الْعِيشِ)، (همان: ۲۶۰/۱)، به معنای وسعت رزق و روزی، (مَرَعَى جَنَابِهِمْ خَضِرُ)، (همان ۲۰۱/۳)، کنایه از رفاه و آسایش زندگانی، توانگری و امنیت پایدار مالی.

به باور لوشر کسی که در جایگاه چهارم، رنگ سبز را انتخاب می‌کند، می‌خواهد اطمینان بیشتری از ارزش‌های خود پیدا کند و مورد تأیید باشد و در چالش‌ها موقعیتش را حفظ کند؛ چه از طریق ابراز وجود، چه با متوسل شدن به تصویر ایده‌آلی که از خود ساخته‌اند و چه از طریق پذیرشی که بنا به ملاحظهٔ دارایی‌های خود از دیگران انتظار دارند؛ اعم از اینکه دارایی‌ها ثروت زیادتر ایشان باشد یا برتری ایشان از لحاظ موفقیت مادی و تحصیلی یا فرهنگی (لوشر، ۱۳۹۸: ۵۶). ابوالعلاء از رنگ سبز و تداعی‌گری‌هایش در معانی غیرحقیقی: مهیابودن اسباب معیشت و فراخی نعمت (معری، ۲۰۰۸: ۴۱۲/۱)، سبزی پوست، کنایه از جود و بخشش (همان: ۱۵۸/۲)، (روضهٔ زهراء) استعاره از عالم قبر یا برزخ (همان: ۴۷۶/۱)، تعبیر «نبت غُضِيض» در اشاره به شخص بی‌تجربه و مدعی (همان: ۴۵۶/۱)، استفاده کرده است. ابوالعلاء در قبال اوضاع نابسامان و آشفته جامعه و زندگی عمومی مردمی که به ریا و نفاق و شرارت و فساد و ظلم و عشق فراگیر به مادیات آمیخته شده، نمی‌تواند بی‌تفاوت بماند و با قراردادن خود در نقش و قامت یک رهبر زاهد و حکیم و مصلح به نقد پدیده‌های نوظهور انحرافی می‌پردازد و به‌دنبال اصلاح و ارشاد و هدایت مردمان و نیز برگرداندن آنان به مسیر صحیح ارزش‌های دینی می‌باشد تا مایه سعادت و رشد خود را فراهم گردانند. او دائماً به‌دنبال نقطه امید از این سو و آن سو می‌گردد تا مردمان جامعه از زمستان سرد و تاریک غفلت و جهالت و بی‌ارادگی عبور کرده و به‌سوی بهار سبز آزادی و رستاخیزی رهنمون گردند. سبکی که ابوالعلاء در این راه مبنای کار خود قرار می‌دهد بدین‌گونه است که یک‌بار خطبه‌های وعظ و ارشاد خود را در قالب نثری (رساله‌ی ملقی السبیل) می‌ریزد و سپس همان معانی را بیانی جذاب و زیبا و تمثیل‌گونه در قالب شعری (لزومیات) شکل می‌دهد. به‌عنوان نمونه آن‌جا که می‌گوید: «چقدر انسان گناه می‌کند و به خطا می‌رود و این در حالی است که می‌تواند با آب توبه، خود را اصلاح و زمینه‌ی رشد و پیشرفت خود را فراهم کند:

رنگ سرخ: سرخ، نشانه عشق، خطر، نیرو و نشاط است. رنگ قرمز بیانگر امید به زندگی، اشتیاق به فعالیت، شجاعت، اراده‌ی قوی و آرزوهای بزرگ، گرمی، قدرت، جنگ، هیجان، تظاهر آتش، خون، هوای نفس، خشم و برانگیختگی، انرژی‌دهنده و محرک بسیار نیرومندی است (استوار، ۱۳۹۱: ۲۰). به دلیل حرارت و گیرایی که در آوای اصلی آن (حاء) هست، گاهی با خون و گاهی با رنگ‌های شادی همراه می‌شود (حمدان، ۲۰۰۸: ۲۸).

رنگ سرخ در میان قالب‌های شعری بشار، یکی از بهترین و زیباترین رنگ‌هاست و دارای نماد مرگ و زندگی است. نماد مرگ با شعله‌های سوزان چکامه‌های گزنده و شراره‌های انتقام و جنگ و خونریزی که همه چیز را در خود ذوب می‌کند و از بین می‌برد و نماد زندگی به خاطر افتخار به نژاد و قومیت خویش و عشقی که تب و تاب و التهابی پرسوز در دل می‌ریزد. بشار آن‌گاه که بحث عشق و عاشقی به میان می‌رسد، شور و اشتیاق ناشی از مستی عشق را با رنگ سرخ بیان می‌کند تا سختی راه عشق را با مخاطب در میان بگذارد و فقط این رنگ سرخ است که چنین شرح بی‌کلامی از خونین بودن راه عشق را بیان می‌کند:

و إِذَا دَخَلْنَا فِي الْحُمْرِ إِنَّ الْحُسْنَ
فَادْخُلِي أَحْمَرُ
(ابن برد، ۴: ۶/۲۰۰۷)

آن‌گاه که (به مجلس باده‌گساری) وارد شدیم با پوشش سرخ رنگ داخل شو؛ چراکه کمال زیبایی به رنگ سرخ است. بشار زیبایی را با رنگ سرخ توصیف می‌کند و این تصویری است که او از میراث گران‌بهای عربی به درون چهارچوب شعری خویش منتقل کرده است. در مجمع‌الأمثال میدانی شرح عبارت (الحسن أحمر) آمده است: این مثل در مورد کسی که در جهت مطلوب و خواسته خود دچار رنج و مشقت می‌شود و سختی‌های راه را به جان می‌خرد، کاربرد می‌یابد (میدانی، ۲۰۱۲: ۳۸۵/۱). اما این پایان کار نیست؛ و زیباتر از این مثل، غرض بلاغی نهفته. (شبه کمال اتحاد) در بیت است که بشار آن را در جهت تأکید و جا انداختن مطلب در ذهن شنونده اختیار کرده است؛ گویی که کسی از او در مقام عشق سؤال کرده کدام رنگ معیار زیبایی زیبارویان است؟ جواب: فقط سرخ است و لاغیر.

در مجموعه اشعار بشار، تعداد فراوانی رنگ سرخ و تداعی‌گری‌هایش به ۱۶۷ بار می‌رسد و از این لحاظ در ردیف رنگ‌ها در وضعیت دوم، بعد از رنگ سیاه قرار داده است. از نظر روان‌شناسی رنگ انتخاب سرخ در مکان دوم بیانگر آن است که فرد به دنبال هیجان و شور و شوق و نیز قدرت و تأثیر اراده است (لوشر، ۱۳۹۸: ۵۹). ابوالعلاء به خاطر گرایش‌ها و آرمان‌های اعتقادی و دینی نسبت به معضلات اجتماعی عصر خویش حساس است و او در سایه‌سار قصاید ناب خویش به رفتارها و مسائل اجتماعی نظر می‌کند و به انتقاد از آن می‌پردازد. دیوان لزومیات او متضمن نوعی نقد اجتماعی توأم با عاطفه خشم و تهکم است که می‌توان آن را با دو عنوان کلی دسته‌بندی کرد:

۱. نقد زمامداران و سران

۲. نقد رفتارهای اخلاقی و اجتماعی

ابوالعلاء با جسارت و صراحت شدید رفتارها و کردارهای زمامداران نظیر ظلم و افزون‌خواهی، سوءتدبیری و بی‌اعتنایی به درد و رنج مردم و مصلحت آن‌ها و گرفتن مالیات سنگین و فراهم‌نکردن معیشت بی‌دغدغه و نیز فسادهای اخلاقی را مورد انتقاد قرار می‌دهد:

و إِذَا دَخَلْنَا فِي الْحُمْرِ إِنَّ الْحُسْنَ
فَادْخُلِي أَحْمَرُ

(ابن‌برد، ۴: ۶/۲۰۰۷)

آن‌گاه که زمامداران سودای ریاست به سر بپروانند، بر سر نوشاندن پیاله‌های آزار و اذیت به مردم با یکدیگر رقابت می‌کنند، آیا در ققد شرابی از خون سیاوشان باقی‌مانده است؟

تعبیر کنایی خون سیاوشان (عندم) یکی از صدها کلمه‌ای است که در شعر ابوالعلاء بر رنگ سرخ دلالت دارد و او از این واژه در معنای وارد آوردن سختی و فشار بیش از حد و پی‌درپی به مردم بهره‌جسته است. آن‌گاه که اوضاع سیاسی را رها می‌کند به زندگی اصناف مردم می‌پردازد؛ در این هنگام، نسبت به دنیا و مردمان اطراف خود به شدت خشمگین است و با کینه و خشم علیه آنان می‌شورد و آنان را به همراه دنیا به شکلی مفتضحانه مورد مذمت قرار می‌دهد و از همه چیز آنان، از بی‌تقوایی و بی‌دینی گرفته تا سبک‌سری و رفتارهای دون شأن و منزلت آن‌ها به تنگ می‌آید:

تُغَيِّرُ حَنَاوَهُ شَيْبُهُ فَهَلْ غَيَّرَ الظُّهْرَ لَمَّا اِنْحَى؟

(همان: ۹۸/۱)

انسان سالخورده می‌خواهد با رنگ سرخ حنا، موی سپید خویش را تغییر دهد (چه سود و منفعتی برایش دارد) آیا می‌تواند گوژپشتی او را که (ناشی از سنگینی گناه است) هموار و صاف کند؟

رنگ سرخ با ۱۶۹ بار و ۱۱ درصد میانگین در شعر ابوالعلاء بیانگر علاقه، بینش دینی و حفظ هویت و اصالت فرهنگی اوست و نمودار اعتراض شاعر بر سر تغییر ارزش‌ها و اصول‌ها و نیز هیجان و اراده انقلابی جهت هرگونه تغییر و تحول در رفتارها و معضلات و مسائل نابهنجار جامعه و مردم است.

رنگ زرد (مکانسیم دفاعی): از نظر آزمون لوشر، صفات اصلی رنگ زرد عبارت‌اند از: روشنی، انعکاس، امیدواری و خوش‌رویی که انبساط‌پذیری نرم و آرامش روان را نمایان می‌سازد (لوشر، ۱۳۹۸: ۶۱). این رنگ در دوره عباسی چه در لباس و پوشش و چه در انواع غذاها و شراب‌ها، یکی از رنگ‌های رایج بود (شتیوی، ۲۰۰۵: ۲۸).

از آن‌جا که فضای توصیفی سروده‌های بشار حول محور زیبایی‌های خوب‌رویان آغشته به عطریات زرد رنگ و مزین به زیورآلات به همراه جام‌های شراب زعفرانی در مجالس غنا و نیز صحنه دلدادگی شاعر به این ساقیان رومی نژاد زرد صفت می‌چرخد؛ لذا به ناچار پای این رنگ به وفور وارد صحنه‌های شعری بشار می‌شود.

انسجام واژگانی بین (أصفر)، (زعفران)، (صوت)، (صفراء) علاوه بر شکل‌گیری آرایه مراعات نظیر و موسیقایی شدن بیت به وسیله حرف (ص)، هر چهار واژه بر مفاهیم نوشخوارانه و پیام شادی‌آور رنگ زرد تکیه دارند و به اعتقاد شاعر فقط دو موضوع مهم هستند که مایه‌ی راحت روح و جان و آسایش گیتی‌اند؛ یکی می در پیاله و دیگر نغمه‌ها و الحان دلنواز ساقی:

و أَصْفَرَ مِثْلَ الزَّعْفَرَانِ عَلَى صَوْتِ صَفَرَاءِ التَّرَائِبِ رُود
شَرِبْتُهُ (ابن برد، ۲۰۰۷: ۱۵۸/۲)

ای بسا که شراب زعفرانی را به همراه آواز دلنواز ساقی زردفام و نازپرورده نوشیدم.

رنگ زرد در مجموع ۱۲۷ بار و از این تعداد (۷۷ بار) در غزلیات و (۳۰ بار) در خمریات، بعد از سیاه و سرخ بیشترین بسامد را در میان اشعار رنگی بشار به خود اختصاص داده و انتخاب سوم اوست. به باور لوشر جایی که تأکید زیادی بر زرد می‌شود این رنگ نقش جبرانی دارد؛ نه تنها فرد تمایل شدیدی دارد که با یافتن مقری که رهایی را برایش به ارمغان بیاورد تا از مشکلات بگریزد، بلکه احتمال دارد که نوعی سطحی‌نگری نیز وجود داشته باشد؛ چیزی از نوع تغییر صرفاً به خاطر تغییر و جست‌وجوی مشتاقانه تجربیات جایگزین (لوشر، ۱۳۹۸: ۶۲).

واژه زرد (أصفر) و مشتقات آن در مجموعه دیوان اشعار معری تنها سه بار به صورت مستقیم و با معنی غیرحقیقی به کار رفته است: گل زرد رنگ همیشه بهار تشبیهی از سیاره مشتری (طه حسین، ۲۰۰۹: ۲۰۰)، تعبیر رنگ‌پریدگی جسم و صورت و پژمردگی دستان کنایه از فراق روح از بدن و مرگ و نیستی (معری، ۲۰۰۸: ۱۹۳/۱-۳۳۰). همچنین واژه تداعی گر (عسجد) ۱۸ بار تکرار شده است اما واژه‌های دیگری نیز هستند که مترادف با رنگ زرد باشند و به وفور در این دیوان دیده می‌شوند، از جمله:

نُضَارُ (۱۱ بار)، تَبَر (۹ بار)، ذَهَبٌ وَ ذَهَبِي (۵ بار)، الشَّمْسُ (۵ بار)، دِينَار (۳ بار)، شَذَر (۱ بار)، زَرْجُون (۱ بار).

با کمی دقت و توجه به آمار کلی فوق می‌توان دریافت که این مجموعه کلمات بیشتر از هر چیزی در حوزه معنایی طلا و انواع و اصناف آن جای می‌گیرند، امری که مبین یک فلسفه و نگرش از جانب ابوالعلاء به زندگی است. کسی که لزومیات ابوالعلاء را می‌خواند و سیره‌اش را دنبال می‌کند، می‌فهمد او کسی نبوده که چشم طمع به مال و منال و ثروت داشته باشد؛ بلکه به حکم عقل و دین و حکمت و حقیقت در شرایط آشفته روزگارش زندگی زاهدانه پیشه کرده بود و ریاضت می‌کشید و با اندک مال که نیاز وی را برطرف کند، قناعت کرده و بیشتر از آن را نمی‌پذیرفت.

او بر آن بود که دنیا ما را به فنا می‌دهد و با کوله‌باری از اندوه و درد به‌سوی مرگ سوق می‌دهد، پس مال به چه کار ما می‌آید؟ بلکه باید خود را تقویت کنیم تا بتوانیم با این سرنوشت محتوم روبه‌رو شویم:

أَتَذْهَبُ دَارًا بِالنُّضَارِ وَ يُخَلِّفُهَا عَمَّا قَلِيلٍ وَ يَذْهَبُ؟
رَبُّهَا (معری، ۲۰۰۸: ۱۰۸/۱)

چرا سرایی با خشت‌های طلا نماکاری می‌شود و این در حالی است که صاحب آن ملک، اندکی نه‌چندان دور باید آن را برای (وراث) به‌جا بگذارد و بار سفر ببرند؟

رنگ زرد با ۶۲ مرتبه تکرار در انتخاب سوم ابوالعلاء است. لوشر می‌گوید: انتخاب رنگ زرد در ردیف سوم به‌عنوان رفتار جبرانی، این پیام را می‌رساند که فرد در جست‌وجوی یافتن راهی جهت بیرون آمدن از دشواری‌ها و تنگناها و گریز به سوی آزادی است؛ بلکه فراتر از آن رفته و در جست‌وجوی ارضای رضایت‌بخش روح و روان خود با روی آوردن به فلسفه یا متافیزیک و پرکردن ذهن با تعلیم دینی (لوشر، ۱۳۹۸: ۶۲).

۲.۲. کاربرد رنگ‌های فرعی

خاکستری: در اشعار بشار و ابوالعلاء، رنگ خاکستری کاربرد نسبتاً خوبی دارد و در کار تصویرسازی تا بدان پایه رسیده که گهگاهی جنبه نمادین یافته است. این رنگ در شعر بشار با ۱۶ بار و در شعر ابوالعلاء با ۳۴ بار کاربرد دارد و در بسیاری از موارد در معنای نمادین: حلقه خاکستری دور چشم کنایه از بی‌خوابی و کم‌سوئی چشم (ابن برد، ۲۰۰۷: ۱۶/۳)، تعبیر «رماد العین» به معنای ناتوان از درک و تشخیص حق از باطل (معری، ۲۰۰۸: ۳۴۶/۲)، انتخاب رویکرد مدارا و به دور از تنش و تعارض (ابن برد، ۲۰۰۷: ۲۹۶/۳ و معری، ۲۰۰۸: ۳۲۷/۱). به‌کار رفته است. به‌طور کلی در اشعار ابوالعلاء به نسبت بشار می‌توان بیشتر غلبه معنای غیرحقیقی رنگ خاکستری بر معنای حقیقی آن مشاهده کرد.

با تطبیق خاکستری با رنگ‌های آزمون لوشر متوجه می‌شویم که این رنگ، انتخاب ششم بشار و ابوالعلاء هستند و لوشر انتخاب خاکستری را در مکان ششم این‌گونه تفسیر می‌کند که شخص دنیای خود را به دو بخش تقسیم می‌کند: از یک‌سو به حوزه جبرانی و مبالغه‌آمیز می‌پردازد و از سوی دیگر، به‌دنبال فعال کردن تمام قابلیت‌های بالقوه‌ی باقی‌مانده می‌باشد (لوشر، ۱۳۹۸: ۵۰، ۵۱).

رنگ قهوه‌ای: بشار و ابوالعلاء هیچ‌گاه به‌صورت مستقیم به رنگ قهوه‌ای اشاره‌ای نداشته‌اند؛ اما با واکاوی دقیق‌تر ابیات رنگی هر دو شاعر، با بسامد فراوانی از واژگان مواجه می‌شویم که به نوعی و به شکل غیرمستقیم هم‌ردیف این رنگ قرار می‌گیرند: (عُبار، أُغبر، غبراء، غُبْرَة، مُغْبَرَة)، (تراب، تُرب، تَرَب، تَرِب، (أعفر، عَفیر، عُفر، عَفَر، عَفْرِیَّة، عَفَار)، (أربَد، رِبْدَاء، نَقع، عَفَاء، عَجَاجَة، کُدر و ... همین کاربرد گسترده و چشمگیر و متفاوت این کلمات در ابیات هر دو شاعر به‌ویژه ابوالعلاء دلیلی گردید که در زمره رنگ قهوه‌ای قرار بگیرند. رنگ قهوه‌ای در شعر بشار با ۱۳ بار کاربرد و قرار گرفتن در جایگاه هفتم آزمون لوشر، معنای خاصی را نمی‌رساند؛ ولی در مجموعه اشعار ابوالعلاء با ۴۲ بار تکرار حضور معناداری از خود به نمایش می‌گذارد. دو واژه (تراب و اغبر) به همراه مشتقات آن‌ها از زیرشاخه‌های برجسته و کاربردی این رنگ در دیوان لزومیات هستند، این دو واژه به تنهایی و با تکرار ۳۱ بار، تصویرگر پیکر انسان متحمل رنج و مشقت و آزار و اذیت حاصل از پیمایش سفر طولانی زندگی دنیاست که با پایان رسیدن این سفر و هبوط در دل زمین به اصل و عنصر نخستین خود یعنی خاک برمی‌گردد و فارغ از هرگونه احساس ناخوشایند می‌شود.

مَتَى يَنْقُضَى الْوَقْتُ وَاللَّهُ قَادِرٌ
آلَيْتُ لَا يَبْنِفَكَ جِسْمِي فِي أَدَى
فَنَسْكُنُ فِي هَذَا التُّرَابِ وَنَهْدًا
حَتَّى يَعُودَ إِلَى قَدِيمِ الْعُنْصُرِ
وَأَمَّا الْجِسْمُ فَلِلتُّرَابِ مَالُهَا
وَعَيَّتُ بِالْأَرْوَاحِ أَنِّي تَسْلِكُ
(معری، ۲۰۰۸: ۳۲۱، ۲۲۸، ۵۱/۱، ۲)

هرگاه اجل به سرآید - و خداوندی که آن را معین کرده و می‌رساند - در این خاک ساکن و قرار می‌گیرم، قسم می‌خورم که جسم من همواره در اذیت و آزار است تا اینکه به عنصر نخستین خود بازگردد. پیکرها به اصل خود - خاک - بر می‌گردند (اما در مورد) ارواح، مانده‌ام که به کجا می‌روند.

قهوه‌ای در جایگاه چهارم انتخاب ابوالعلا معری است و نشان‌دهنده‌ی این حقیقت است که ابوالعلا احساس می‌کند که نیاز بیشتر به آسایش جسمی و خشنودی حسی و همچنین نیاز به رهایی از وضعیتی است که برای او احساس ناراحتی در پی دارد (لوشر، ۱۳۹۸: ۶۷).

رنگ بنفش: رنگ بنفش در اشعار بشار بسامد کمی دارد. در مجموع اشعار او، رنگ بنفش تنها دو بار به کار رفته است. رنگ بنفش در شعر ابوالعلاء به مانند بشار جز کم‌اهمیت‌ترین رنگ‌هاست و جلوه آن را می‌توان یک‌بار در ترکیب (بُرد بَنَفْسَج) (معری، ۲۰۰۸: ۳۳۰/۱) به معنای کبودی و رنگ‌رفتگی صورت و بار دیگر در واژه (الأرجوانی)، (همان: ۱۸۷/۳). نمادی از شر و بدی، مشاهده کرد؛ اگرچه رنگ ارغوانی از جانبی به رنگ سرخ نیز نزدیک است.

قرار گرفتن رنگ بنفش در جایگاه هشتم گویای آن است که تمایل بشار و ابوالعلاء به روابط صمیمانه با افراد، کنار زده یا سرکوب کرده‌اند؛ به این دلیل که دست‌یافتن به چنین چیزی ظاهراً غیرممکن به نظر می‌رسد یا اینکه شرایط به کلی برای آن نامناسب است (لوشر، ۱۳۹۸: ۶۶).

رنگ سیاه: رنگ سیاه از روز ازل، به خاطر همنشین بودن با چیزهای ناخوشایند طبیعت باعث متبادر شدن معانی غم و اندوه و بدبینی و ترس از مجهولات در ذهن انسان شده است (عمر مختار، ۱۹۹۷: ۲۰۴).

رنگ سیاه از رنگ‌هایی است که در فرهنگ، هنر و ادبیات معانی متعددی القا می‌کند؛ از جهتی با مرگ و از جهتی با شر و در بعضی جایگاه‌ها در قداست و وقار و پاره‌ای از مواقع نماد زیبایی چشم و مو خلاصه می‌شود (ریاض، ۱۹۸۳: ۲۶). رنگ سیاه (الأسود) به سبب حرف دال که نشان‌دهنده حدّ و حرف واو که نشان‌دهنده گستردگی است، بر نفوذ بر اعماق تاریکی‌ها دلالت می‌کند (ابوعون، ۲۰۰۳: ۱۵).

بشار به حسب ظاهر در غزلیات خود، شب هجران عاشقان بیدل را به تصویر می‌کشد و یا در خمریات به نظر می‌آید که داستان شب باده پیمایی ندیمان و هم‌پایگان را نقل می‌کند؛ ولی شبی که او پیش روی خواننده می‌گذارد نه شب عاشقان و باده‌نوشان و نه شبی که از پی روز می‌آید است، بلکه به واقع، باطن این ماجرا روایت سیاه از لحظات تنهایی گذر ایام زندگی‌اش بر اثر محرومیت بینایی است و انگار شبی بلند است کان را پایانی نیست:

أَقُولُ وَلَيْلَتِي تَزْدَادُ	أَمَّا لِلَّيْلِ بَعْدَهُمْ
طَوْلًا	نَهَارًا
جَفَّتْ عَيْنِي عَنِ التَّغْمِيزِ	كَأَنَّ جُفُونَهَا عَنْهَا
حَتَّى	قِصَارًا

(السکعه، ۲۰۱۱: ۱۱۴)

در حالی که شبم طولانی می‌شود، می‌گویم: آیا شب را پس از (رفتن) آنان روزی نیست؟ خواب از چشمانم رمید، چنان که گویی (از بی‌خوابی) پلک‌هایم از چشمان من کوتاه آمده است. بشار غالباً رنگ سیاه را با سفید (سپیده‌دم، صبح، روز) در کنار هم بیان نموده و شاید برای تسکین روح ناآرام خود این‌گونه به خلق تصویرآفرینی تقابلی یا همان جفت‌های دوگانه روی آورده است. دکتر محمد الفیفی در کتاب (الصورة البصرية في شعر العميان) به تبیین مسئله فوق پرداخته و می‌گوید:

«تکرار تصاویر شعری نابینایان با این دو رنگ حاوی معنا و پیام مهمی است که بر ذهن و روان هر یک از این شاعران، دائماً خطور می‌کند و این که آن‌ها در این صور خیالی فقط به دنبال این نیستند که به بیان آشفتگی و نگرانی‌ها و سردرگمی‌های خود بر اثر نابینایی که بر زندگی آنان سایه تاریک افکنده بیردازند؛ بلکه می‌خواهند بگویند که در روان خود ستارگان درخشان و سفیدی (از استعدادها، قابلیت‌ها، هوش‌ها، توانمندی‌ها) دارند که شایسته نیست سرگردان و بدون استفاده بماند. اگر این صورت‌های شعری با دو رنگ سفید و سیاه به سبک قابل توجه نابینایان در نمی‌آمد و از سوی دیگر، ارتباطی که این سبک با اسلوب‌های دیگری که همین راه و روش را در پیش گرفته‌اند، نداشت، هرگز شایسته نبود که بگوییم این دو رنگ خبر از نمادین بودن می‌دهند» (الفیفی، ۱۹۹۷ م: ۸۰).

معری در کاربرد رنگ سیاه چه در تصاویر شعری و چه بیرون از این چهارچوب ید طولایی دارد. با نگاه اول به رنگ سیاه در اشعارش این‌گونه برداشت می‌شود که او فقط در مواقع حزن و اندوه و بدبینی از آن بهره می‌برد؛ و لیکن او رنگ سیاه را در همه زمینه‌هایی که از آشفتگی روحی و روانی رنج می‌برد به‌عنوان یار و همراه همیشگی خود انتخاب کرده است. البته این امر به خاطر توقعی که از ابوالعلاء می‌رود، چیز بعیدی نیست؛ چراکه سیاهی به‌طور دائم و مستمر در زندگی او حضور دارد (السقطی، ۱۲۴: ۱۹۹۶). سیاه با ۴۹۹ بار تکرار در شعر ابوالعلاء «رنگی تسخیری، متأثرکننده، افسرده و مأیوس و در عین حال سنگین و عمیق است؛ در حقیقت رنگ، تن‌دادن به پوچی دنیای مادی و بدبینی است که شاعر را از محیط جدا کرده و به انزوای مطلق کشانده است» (پورعلی خانی، ۱۳۸۰: ۶۱۲).

رنگ سیاه به نزد ابوالعلاء برعکس بشار، دارای سبک و سیاق و رویکرد متفاوتی است. او در لزومیات، سیاه را فقط در خدمت امیال و اهداف شخصی قرار نداد؛ بلکه بر اثر تحول شخصیتی‌ای که برای او رخ داد و با عوض کردن نگاه خود از محور فردی به بُعد اجتماعی، آن را وسیله‌ای برای بیان آفت‌ها و فتنه‌ها و آشوب‌های سیاهی به‌کار گرفت که در غیبت علما و دانشمندان دینی و کنار زده شدن علائم هدایت بر اثر در رأس قرارگرفتن حاکمان فاسد به محیط و جامعه عصر او هجوم آورده و موجب گمراهی و دنیاطلبی مردمان گردید:

أَلَقَتْ عَلَى الْعَالَمِ الْهَيْدَ بَا
وَدَلَّهْمَتْ عَلَيْهِمُ الظَّلْمَاءُ
(معری، ۲۰۰۸: ۱۶۳/۱)

بَدَتْ فِتْنٌ مِّثْلَ سُودِ الْغَمَامِ
فُقِدَتْ فِي أَيَّامِكَ
الْعُلَمَاءُ

فتنه‌هایی چون ابرهای سیاه آشکار گشته و بر دنیا سایه سیاه خود را افکنده‌اند. به روزگارت، علمای (دین) غایب هستند (و در نتیجه) تاریکی‌های سیاه بر مردم فروغلتیده‌اند.

سیاه در اشعار بشار و ابوالعلاء در وضعیت اول آزمایش رنگ‌ها قرار گرفته است و به رفتار جبرانی از نوع افراطی منجر شده است که در اشعار هر دو شاعر تقریباً مشهود است. چنان‌که کسی سیاه را در وضعیت اول انتخاب می‌کند، می‌خواهد هر چیزی که بیرون از دایره اعتراض لجوجانه او نسبت به وضع موجود است و از نظر وی آن‌طور که باید باشد، نیست نفی کند (لوشر، ۱۳۹۸: ۶۸).

۳. دسته‌بندی و علامت‌گذاری ردیف هشت‌رنگ

در شیوه گروه‌بندی رنگ‌ها، ابتدا هشت رنگ آبی (۱)، سبز (۲)، سرخ (۳)، زرد (۴)، بنفش (۵)، قهوه‌ای (۶)، سیاه (۷)، خاکستری (۸) با توجه به میزان کاربرد، در یک ردیف قرار می‌گیرند. سپس به صورت گروه‌های دوتایی طبقه‌بندی می‌شوند، مکان اول و دوم بیانگر (نیاز اساسی و واقعی و در صورت عدم برآورد نیاز، منجر به رفتار جبرانی) بوده و با علامت (+) مشخص می‌شود. مکان سوم و چهارم با علامت (x) مشخص گردیده و نشانگر (دنیای مطلوب) است. مکان و پنجم و ششم با علامت (=) نشان داده می‌شود و نمود (ویژگی‌ها و صفاتی که نه رد می‌شوند و نه برای موقعیت فعلی مناسب است) می‌باشد و مکان هفتم و هشتم دارای علامت (-) و بیانگر (عدم تمایل یا رفتار پیشگیرانه) است. در ادامه پس از ارائه بسامدی و آماری رنگ‌های هر دو شاعر، به توصیف و تبیین آن‌ها می‌پردازیم.

از میان ۱۴۹۴ بار رنگ در شعر بشار ۸۰۳ بار آن از هشت رنگ آزمون لوشر و ۶۹۱ بار دیگر رنگ‌هایی غیر از رنگ‌های آزمون هستند. از ۱۴۸۲ بار رنگ به کار رفته در شعر ابوالعلاء نیز ۸۵۸ بار هشت رنگ آزمون لوشر و ۶۲۴ بار رنگ‌های غیر از رنگ‌های آزمون است. ترتیب رنگ‌های آزمون لوشر در شعر بشار (از بیشتر به کم‌تر) به این صورت است:

سیاه	سرخ	زرد	سبز	آبی	خاکستری	قهوه‌ای	بنفش
(۳۸۵)	(۱۶۷)	(۱۲۷)	(۷۵)	(۱۸)	(۱۶)	(۱۳)	(۲)

با در نظر گرفتن ترتیب رنگ‌ها چهار زوج زیر خواهیم داشت:

گروه اول: ۷+۳ = گروه دوم: ۴×۲ = گروه سوم: ۱=۰ = گروه چهارم: ۵-۶ =

و در شعر ابوالعلاء معری:

سیاه	سرخ	زرد	ز	خاکستری	آبی	بنفش
(۴۹۹)	(۱۶۹)	(۶۲)	(۴۲)	(۳۴)	(۹)	(۳)

با در نظر گرفتن ترتیب رنگ‌ها، چهار زوج زیر خواهیم داشت:

گروه اول: $۷+۳$ گروه دوم: ۴×۶ گروه سوم: $۲=۰$ گروه چهارم: $۵-۱$

۴. تحلیل و تفسیر عملکردهای بشار و ابوالعلاء در هر گروه

۴,۱. جایگاه نخست (همانندی‌ها)

در مجموع درباره گروه اول (سیاه و سرخ) بشار و ابوالعلاء می‌توان بدین شکل جمع‌بندی کرد که بشار و ابوالعلاء به خاطر تأثیرپذیری از عوامل درونی و بیرونی - نقص فیزیولوژی و یا طرحواره‌ها و الگوهای ذهنی - شناختی و یا به دلیل سردمهری و بی‌عاطفگی اجتماعی و ناپختگی در روابط - دچار اضطراب و رنج تنهایی و طرد از مردم و اجتماع هستند. با این تفاوت که ریتم و آهنگ تغییر ابوالعلاء بیشتر به خاطر مسائل اجتماعی است تا نابینایی.

۴,۲. جایگاه دوم (تفاوت‌ها)

گروه دوم (زرد و سبز / زرد و قهوه‌ای): قرار گرفتن رنگ سبز و قهوه‌ای به همراه زرد در جایگاه چهارم بشار و ابوالعلاء این حقیقت را آشکار می‌سازد که هر دو به دنبال این هستند به یک ثبات امن و قابل‌قبولی برسند که دیگر با کم‌ترین تکانش دچار نگرانی و آشفتگی نشوند. بشار برای عملی کردن این تصمیم به دنبال وصل شدن به دربار خلفا و مدح بزرگان و سران می‌خواهد به چنان موقعیت مطلوب دست یابد که موجب شهرت و اعتبار و عزت او گردد و نهایتاً باعث پوشاندن عیب و نقص نابینایی و آرامش و ثباتش شود؛ اما ابوالعلاء این تصمیم ثبات‌بخش را با عزلت و گوشه‌نشینی هوشمندانه و عاقلانه به جهت آسودگی تنش‌های جسمی و حفظ ارزش‌های اصیل خود، عملیاتی می‌سازد.

۴,۳. جایگاه سوم (تفاوت‌ها)

گروه سوم (آبی و خاکستری / سبز و خاکستری): قرار گرفتن رنگ خاکستری در جایگاه ششم بشار و ابوالعلاء گویای شیوه عملی و راهبرد محتاطانه و بینابین دو شاعر در روابط و سبک زندگی آن‌ها می‌باشد؛ بدین معنا که دنیای دو شاعر به دو بخش تقسیم می‌شود: از یک سو نیم‌نگاهی به حوزه جبرانی و بازسازی خود دارند؛ از طرف دیگر، به دنبال فعال کردن تمام قابلیت‌های بالقوه خود هستند. بشار با در کنار قراردادن رنگ خاکستری با آبی این تصویر را به ما نشان می‌دهد که او با وجود نقص نابینایی و آثار نامطلوب آن بر روابطش، باز هم تلاش می‌کند که شبکه‌های ارتباطی خود را گسترش دهد، ولو این که عمق چندانی نداشته باشد. اما ابوالعلاء با کنار نهادن دو رنگ سبز و خاکستری باهم، بیان می‌دارد که درست است که وضعیت فعلی بر اثر در رأس قرار گرفتن حاکمان فاسد و جاهل و کنار زده شدن علما

و عاقلان و دانشمندان دینی مثل او منجر به هجوم فتنه‌ها و آشوب‌ها به جامعه و جابه‌جایی ارزش‌ها و سستی اراده مردمان گردیده و تصویری ایجاد کرده شبیه به زمستان سرد و تاریک، اما او کسی نیست که با بی‌تفاوتی از آن عبور کند؛ بلکه با پذیرفتن نقش یک رهبر مصلح شروع به وعظ و نصایح غیرمستقیم در قالب تألیف کتاب‌های دینی و عقیدتی و نیز تربیت شاگردان در جهت بیدارسازی و هشیاری و تهذیب مردم از دنیاطلبی می‌کند؛ به امید آنکه به ارزش‌های اصیل خود بازگردند و زمینه رشد و شکوفایی و سعادت خود را که همان بهار سبز آزادی و رستاخیزی است فراهم گردانند.

۴،۴. جایگاه چهارم (تفاوت‌ها)

اما گروه آخر بشار این پیام را می‌رساند که او ذوق زیبایی‌شناختی دارد و همچنین سلیقه فاخری دارد که او را قادر می‌سازد که سلیقه خودش را شکل دهد و قضاوت‌هایش را ابراز کند؛ به‌ویژه در زمینه هنری و خلاقیت‌های زیبایی‌شناسانه، تلاش می‌کند با کسانی معاشرت داشته باشد که بتوانند به او در راستای رشد عقلی و هنری‌اش کمک کنند (لوشر، ۱۳۹۸: ۱۴۲). ترکیب رنگ آبی و بنفش در آخرین اولویت ابوالعلا مفهوم این مطلب است که از وضعیت موجود رضایت خاطر ندارد و نیاز به تفاهم و بده و بستان عاطفی ارضا نشده باقی‌مانده است. او حالا احساس اسیرشدن می‌کند؛ طوری که منجر به ناشکیبایی و تحریک‌پذیری او شده است (همان: ۱۲۳). این حس و حالت درونی ابوالعلا را می‌توان از ابتدا تا انتهای دیوان لزومیات و با واژگان و تعبیراتی همچون: «أرانی فی ثلاثه من سجون، حیاتی تعذیب و موتی راحه، أسیر عن الدنيا» به‌طور مکرر مشاهده کرد.

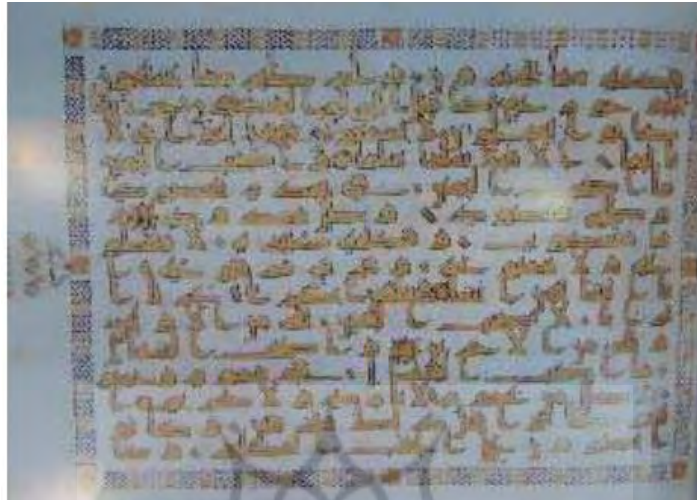
۵. رنگ در آثار هنرمندان قرون دوم و چهارم هجری

بررسی‌ها حاکی از آن است که هنرمندان در هنرهای قرون نخستین اسلامی از رنگ‌های متنوعی در آثارشان استفاده کرده‌اند. این تنوع بیشتر در هنرهایی چون سفالگری، و کتاب‌آرایی قابل مشاهده است. در تصویر شماره ۱ که از نمونه کتاب‌آرایی‌های هنرمندان قرون نخستین هجری است می‌توان جلوه‌های از زیبایی‌شناسی کاربرد رنگ‌ها را مشاهده کرد.



تصویر ۱. قرآن با طلا بر زمینه آبی. قرن ۵۴ ق. محل نگهداری: موزه متروپولین

همان‌گونه که در تصویر بالا می‌توان مشاهده کرد رنگ‌های اصلی آبی و زرد در این کتاب‌آرایی بیشترین کاربرد را دارند. رنگ‌هایی که نماد آرامش، امید و پیام‌آور حرکت و زندگی هستند. در تصویر شماره ۲ نیز می‌توان نمونه‌ای دیگر از کاربرد این دو رنگ را مشاهده کرد.



تصویر ۲. برگه از قرآن کریم، نوشته طلا به خط کوفی بر پوست. قرن دوم ه.ق. تهران: موزه ایران باستان

علاوه بر کتاب‌آرایی هنر سفالگری در قرون نخستین از جلوه‌گاه‌های کاربردی رنگ‌ها است. تصویر شماره ۲ از نمونه سفال‌های قرن چهارم هجری است که در آن از رنگ‌های متنوعی استفاده شده است.



تصویر ۳. سفال سامانی. نیشابور، موزه هنرهای آسیایی کالیفرنیا

همان‌گونه که در تصویر فوق مشاهده می‌شود در هنر سفالگری این دوره، هنرمندان از مجموعه‌ای از رنگ‌های اصلی و فرعی استفاده کرده‌اند. در سفال شماره ۳ بیشترین کاربرد مربوط به رنگ‌های سبز و زرد است. در کنار آن برای ترسیم نقوش از رنگ سیاه نیز استفاده شده است.



تصویر ۴. ورزش بومی خراسان بر سفال‌های دوره سامانی. موزه هنرهای آسیایی کالیفرنیا

در تصویر شماره ۴ نیز هنرمند از رنگ زرد بیشترین استفاده را کرده است. در کنار آن از رنگ‌های قهوه‌ای و سیاه به عنوان رنگ‌های فرعی نیز بهره جسته است. در تصویر شماره ۵ نیز ترکیب رنگ زرد و سیاه تکرار شده است که حاکی از فراگیر بودن کاربرد این رنگ‌ها در این مقطع تاریخی است.



تصویر ۵. بشقاب سفالین دوره سامانی. نیشابور. موزه هنرهای آسیایی کالیفرنیا

نتیجه‌گیری

انتخاب رنگ سیاه در ردیف اول به‌جای آبی که به‌عنوان یکی از رنگ‌های اصلی در جایگاه پنجم و هفتم شعر بشار و ابوالعلاء قرار گرفته، این پیام را ارسال می‌کند که هر دو شاعر نیاز اصلی آن‌ها به اعتماد و اطمینان و آرامش و ثبات به‌عنوان مؤلفه‌های امنیت و پیش‌نیاز هر نوع ارتباطی ارضاننده باقیمانده و در چنین حالتی، این نیاز اساسی ارضاننده یک منبع استرس است که باعث احساس محرومیت و اضطراب هر دو شاعر گردیده است.

رنگ سرخ در جایگاه دوم بشار و ابوالعلاء علاوه بر نمایش هیجانات منفی حاصل از محرومیت و فریاد اعتراض خود نسبت به وضعیت موجود، بیانگر امید و علاقه آنان به فعالیت و تلاش و شور و شوق فراوان در جهت حل مشکل و برداشتن موانع از مسیر زندگی و سرنوشت خویش است؛ و نهایتاً درباره گروه اول (سیاه و سرخ) بشار و ابوالعلاء می‌توان گفت که بشار و ابوالعلاء به خاطر مسئله نابینایی و پیامدهای ناشی از آن دچار احساس محرومیت و اضطراب و رنج جدایی و تنهایی دست به گریبان هستند. رنگ زرد در جایگاه سوم دلالت بر فلسفه و روش اساسی بشار و ابوالعلاء جهت حل مشکل موجود دارد؛ طوری که هر دو شاعر به دنبال یافتن راهی و مفری جهت بیرون آمدن از این دشواری و تنگنا و گریز به سوی آزادی و آرامسازی روح و روان و جسم خود از استرس‌ها و اضطرابات و هیجانات منفی ناشی از محرومیت دارند. بشار با انتخاب مکانسیم دفاعی انحراف توجه و ذهن (مشغول‌سازی خود با زیبارویان و همنشینی با هم‌پالگان شراب) و ابوالعلاء نیز با مکانسیم عقلی و جداسازی و تحمیل قید و بندهای سخت و خشک مثل لباس و غذای خشن، این امر را محقق می‌کنند. اما آنچه که باید گفت ماهیت فعالیت جبرانی افراطی و اجباری است و به ندرت منجر به رضایت‌مندی می‌شود. شواهد شعری و منابع مکتوب حکایت از افراط دو شاعر دارند؛ طوری که یکی کارش به پرده دری و هتک حرمت کشید و آن دیگری به بدبینی و منفی‌گرایی. قرار گرفتن رنگ سبز و قهوه‌ای در جایگاه چهارم بشار و ابوالعلاء این حقیقت را آشکار می‌سازد که هر دو بعد از آرام‌شدن نسبی اوضاع روحی و جسمی و بازگشت بارقه‌ها و نشانه‌های امید در پی تصمیم‌گیری جهت عبور و گذر از این بحران هستند، نقطه اشتراک تصمیم هر دو در برقراری ثبات و امنیت نسبی و قابل قبول است. به‌طور کلی درباره گروه دوم باید گفت: زرد و سبز (ارتقای موقعیت اجتماعی با اکتساب ثروت)، زرد و قهوه‌ای (عزلت‌نشینی جهت حفظ ارزش‌های اصیل) ناظر بر انتخاب راه حل یا دنیای مطلوب متفاوت بشار و ابوالعلاء در چگونگی حل این مسئله است. گروه سوم: آبی و خاکستری (گسترش شبکه‌ی ارتباطی با احساس نه‌چندان عمیق)، سبز و خاکستری (آگاه‌سازی و تهذیب جامعه با وعظ و نصایح غیرمستقیم) مشخص‌کننده شیوه عملی و راهبرد متمایز دو شاعر در ارتباطات اجتماعی خود بعد از حل مسئله ثبات است و گروه پایانی: آبی و بنفش، قهوه‌ای و بنفش (راه دادن افراد فقط با نگرش مشابه به حریم شخصی) / عدم راه‌دادن افراد به خاطر نبود هرگونه تفاهم) حالت تدافعی و تدابیر پیشگیرانه متباین دو شاعر را نشان می‌دهد که دنبال حفظ و تداوم ثبات و امنیت خود در روابط هستند. در آثار هنرمندان قرون نخستین هجری نیز کاربرد رنگ‌های اصلی بسیار رایج بود و رنگ‌های زرد و سبز و آبی دارای بیشترین کاربرد بوده‌اند.

پی‌نوشت‌ها:

۱- لازم به توضیح است که روان‌شناسی شخصیت دارای حوزه‌های بسیار گسترده‌ای می‌باشد؛ چراکه شخصیت، خود موضوعی است پیچیده و دارای ابعاد گوناگون است. (کریمی، ۱۳۸۹ ش: ۸) نظریه ماکس لوشر، شخصیت افراد را از رویکرد انسان‌گرایی - چگونگی برآورده شدن نیازها از دریچه ارتباطات انسان یا همان دنیای مطلوب و نیز رفتارهای جبرانی به وجود آمده در صورت عدم پاسخگویی به نیازها مورد بررسی قرار می‌دهد.

۲- سازوکار دفاعی به فرایندهایی اطلاق می‌شود که فرد با توسل به آن، واقعیت را تحریف می‌کند تا اضطراب و سایر احساسات ناخوشایند را کاهش دهد یا از بین ببرد (فروید، ۱۳۹۹: ۲۷).

۳- انواع مکانسیم دفاعی: تحریف واقعیت، فرافکنی، آرمان‌سازی، خیال‌بافی، واپس‌روی، درون‌فکنی و برون‌ریزی، انحراف توجه، عقلانی‌سازی، جداسازی، واکنش وارونه، بازداری (فیست، ۲۰۰۲: ۴۹-۵۵).



فهرست منابع و مآخذ:

کتاب‌ها

- آزاد کرد محله، فاطمه. (۱۳۹۳). «روانشناسی رنگ در کتاب در آستانه احمد شاملو». جلد نخست، هفتمین همایش انجمن ترویج زبان و ادبیات فارسی.
- ابن‌برد، بشار. (۲۰۰۷). دیوان، جمعه و شرحه و کَمَلَهُ و عَلَّقَ علیه محمد الطاهر ابن عاشور. ۴ اجزاء، الجزائر: وزارة الثقافة.
- ابوعون، عبد القادر. (۲۰۰۳). «اللون و ابعاده فی الشعر الجاهلی». رسالة الماجستير، غزة: جامعة النجاح للوطنية.
- استوار، مسیب. (۱۳۹۱). رنگ، تهران: دانش
- اسماعیل، عزالدین. (۱۹۸۱). التفسير النفسی الأدب. بیروت: دارالعودة. الطبعة الأولى
- یتن، جوهانز. (۱۳۷۴). رنگ. ترجمه: محمد حسین حلیمی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- پورعلی خانی، هانیه. (۱۳۸۰). دنیای اسرارآمیز رنگ‌ها، تهران: هزاران.
- حمدان، عبدالله. (۲۰۰۸). «دلالت الألوان فی شعر نزار الباقی». رسالة الماجستير، كلية النجاح الوطنية، فلسطين: نابلس.
- ریاض، عبدالفتاح. (۱۹۸۳). التكوين فی الفنون التشكيلية، القاهرة: دار النهضة العربية، الطبعة الأولى.
- السعكة، مصطفى. (۲۰۱۱). الشعر و الشعرا و فی العصر العباسی. بیروت: دار العلم للملايين.
- السقطی، رسمیه موسی. (۱۹۹۶). اثر كف البصر على الصورة عند ابی العلاء المعری. رسالة دكتوراه، جامعة القاهرة.
- الشاهر، عبدالله. (۲۰۰۲). «الأثر النفسی للون»، موقف الأدبی، العدد ۳۷۹.
- الشتیوی، صالح. (۲۰۰۵). رؤية فنية، قراءات فی الأدب العباسی، الطبعة الأولى. بیروت: المؤسسة العربية للدراسات و النشر.
- ضیف، شوقی. (۱۳۸۴). هنر و سبک‌های شعر عربی. ترجمه: مرضیه آباد، مشهد: دانشگاه فردوسی.
- طه حسین. (۲۰۰۹). شرح لزوم ما لا یلزم، الجزء الأول، مصر: دارالمعارف.
- علی‌اکبرزاده، مهدی. (۱۳۸۹). رنگ و تربیت. چاپ سوم، تهران: میشا.
- فروید، زیگموند. (۱۳۹۹). کاربرد روانکاوی در نقد ادبی-هفت اثر از فروید درباره ادبیات. ترجمه: حسین پاینده، چاپ سوم، تهران: مروارید.
- فیست، جس و گریگوری جی. (۲۰۰۲). نظریه‌های شخصیت. ترجمه: سید یحیی صفوی، چاپ چهارم. تهران: روان.
- الفیفی، عبدالله. (۱۹۹۷). الصورة البصرية لدى الشعراء العميان. ریاض: النادي الأدبی.

کریمی، یوسف. (۱۳۸۹). روان‌شناسی شخصیت. تهران: دانشگاه پیام نور.

لوشر، ماکس. (۱۳۹۸). روان‌شناسی رنگ‌ها، ترجمه: مانا رامشنی، تهران: ندای معاصر.

مختار عمر، احمد. (۱۹۹۷). اللغة و اللون، ط ۲، القاهرة: علام کتب.

معری، ابوالعلا. (۲۰۰۸). شرح اللزومیات، ۳ أجزاء، تحقیق: سیده حامد و ...، إشراف و مراجعة: الدكتور حسين نصار، مصر: مركز تحقيق التراث.

میدانی، ابوالفضل. (۲۰۱۲). مجمع الأمثال، فی الجزءین، بیروت: دارالمعرفة.

هانت، رولند. (۱۳۷۷). هفت کلید رنگ درمانی، ترجمه: ناهید ایران‌نژاد، تهران: جمال الحق.

مقالات

افروز، غلامعلی. (۱۳۸۸). «بررسی تحلیلی و مقایسه‌ای مبانی روان‌شناختی، ویژگی‌های شناختی و روانی و اجتماعی جوانان نابینا و ناشنوا»، مجله: روان‌شناسی و علوم تربیتی، ش ۲، ۱۵-۱۲.

خادمی کولایی، فاطمه و یآوری، سیاوش. (۱۳۹۴). «تحلیل مقایسه‌ای کارکرد رنگ‌ها در شعر سیمین بهبهانی و سیاوش کسرای»، همایش ملی هزاره سوم علوم انسانی، شیراز، ۱۸ - ۱.

قاسم‌زاده، سیدعلی و نیکویخت، ناصر. (۱۳۹۲). «روانشناسی رنگ در اشعار سهراب سپهری»، پژوهش‌های ادبی، ش ۲، ۲۲.

پایان‌نامه‌ها

حمیدزاده، حسن. «۱۳۸۹». «حکمت در دیوان اللزومیات ابوالعلاء معری»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی کاشان.